

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی (۱) دهم انسانی از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

۱- آزمون‌های نوبت اول: آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:
الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. برای این آزمون‌ها در کنار سؤالات، نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کنند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌ها باشد که معلمان از شما خواهد گرفت.
۲- آزمون‌های نوبت دوم: آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

۳- پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها: در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آنچه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

۴- درس‌نامه کامل شب امتحانی: این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند 😊 در این قسمت تمام آنچه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۱) نیاز دارید، تنها در ۲۰ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!



فهرست

| نوبت | آزمون پاسخ‌نامه | نوبت | آزمون شماره | توضیح |
|------|-----------------|------|-------------|------------------|
| اول | ۳ | اول | ۱ | (طبقه‌بندی شده) |
| اول | ۵ | اول | ۲ | (طبقه‌بندی شده) |
| اول | ۷ | اول | ۳ | (طبقه‌بندی نشده) |
| اول | ۹ | اول | ۴ | (طبقه‌بندی نشده) |
| دوم | ۱۱ | دوم | ۵ | (طبقه‌بندی شده) |
| دوم | ۱۳ | دوم | ۶ | (طبقه‌بندی شده) |
| دوم | ۱۵ | دوم | ۷ | (طبقه‌بندی شده) |
| دوم | ۱۷ | دوم | ۸ | (طبقه‌بندی شده) |
| دوم | ۱۹ | دوم | ۹ | (طبقه‌بندی نشده) |
| دوم | ۲۱ | دوم | ۱۰ | (طبقه‌بندی نشده) |
| دوم | ۲۳ | دوم | ۱۱ | (طبقه‌بندی نشده) |
| دوم | ۲۵ | دوم | ۱۲ | (طبقه‌بندی نشده) |

بازمبندی درس عربی زبان قرآن (۱) دهم انسانی

| نوبت اول | نوبت دوم | مهارت‌های زبانی |
|----------|----------|----------------------------|
| نمره ۲ | نمره ۲ | مهارت واژه‌شناسی |
| نمره ۷ | نمره ۷ | مهارت ترجمه به فارسی |
| نمره ۷/۵ | نمره ۷/۵ | مهارت شناخت و کاربرد قواعد |
| نمره ۲ | نمره ۲ | مهارت درک و فهم |
| نمره ۱/۵ | نمره ۱/۵ | مهارت مکالمه |
| نمره ۲۰ | نمره ۲۰ | جمع |

| شماره | kheilisabz.com | مدت آزمون: ۹۰ دقیقه | رشته: ادبیات و علوم انسانی | عربی زبان قرآن (۱) |
|----------------------|---|--|----------------------------|--------------------|
| نمره | نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم | | | ردیف |
| آزمون شماره ۱ | | | | |
| درس اول | | | | |
| ۰/۲۵ | برای پاسخگویی درست به این نوع پرسش‌ها باید تک‌واژه‌هایی که بعد از متن هر درس آمده را به خوبی بدانید. | <p>۱. اِنْتِخَبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: أَكَلَتِ الْفَطُورَ فِي الْمَطْعَمِ. (ناهار - شام - صبحانه)</p> | | |
| ۱ | دانش‌مندان مترادف، متضاد، مفرد و جمع اسم‌هایی که در هر درس آمده به شما کمک می‌کنند و دایره لغات شما را افزایش می‌دهد. | <p>۲. عَيِّنْ مَا طَلِبَ مِنْكَ. الف) نَضْرَةٌ (بالفارسية): <input type="checkbox"/> زیبا <input type="checkbox"/> تر و تازه ب) مُجَدِّدٌ (المترادف): <input type="checkbox"/> مُجْتَهَدٌ <input type="checkbox"/> أجداد ج) رَخِيصَةٌ (المتضاد): <input type="checkbox"/> خَفِيْفَةٌ <input type="checkbox"/> غَالِيَةٌ د) دُرٌّ (الجمع): <input type="checkbox"/> دُرَّاتٌ <input type="checkbox"/> دُرَّرٌ</p> | | |
| ۱ | سعی کنید واژه به واژه در ذهن خود ترجمه کنید و بعد از آن یک جمله روان با سافت‌زبان فارسی بنویسید و فعل را در پایان جمله بیاورید. | <p>۳. للتَّرْجُمَةِ: الف) ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ ب) وَزَانَةٌ بِأَنْجَمٍ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ</p> | | |
| ۰/۵ | <p>۴. عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ: الف) الأعداد الأَصْلِيَّةُ هي: واحد، اثنان، ثلاثة، أربعة، خمسة ... ب) الأعداد الترتيبية هي: الأول، الثاني، الثالث، الرابع، الخامس ...</p> | | | |
| درس دوم | | | | |
| ۰/۷۵ | <p>۵. اِنْتِخَبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: الف) هُوَ يُحَافِظُ عَلَيَّ الْهُدُوءِ فِي الصَّفِّ. (راه‌نمایی - آرامش - سکوت) ب) مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟ (چرا - چگونه - کدام) ج) وَقَفْتُ أَمَامَ بَابِ الْمُنْتَزِمَةِ. (سازمان - راهرو - ایستگاه)</p> | | | |
| ۱ | <p>۶. للتَّرْجُمَةِ: الف) «إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» ب) حَمْسَةٌ وَسَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٌ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.</p> | | | |
| ۰/۵ | باید ترجمه فعل را بدانید تا بتوانید لازم و متعدی آن را تشخیص دهید. | <p>۷. عَيِّنِ الْفِعْلَ اللَّازِمَ وَالْمُتَعَدِّيَ: الف) جَاءَ / قَامَ ب) أُرْسَلْنَا / أُنزِلَ</p> | | |
| ۰/۵ | در آوردن صفت، به تعداد و بنسبت کلمه دقت کنید. | <p>۸. عَيِّنِ الْعِدَدَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: الف) کتابان (اثنین - اثنان) ب) المدرسة (العاشر - العاشرة)</p> | | |
| ۱ | هماهنگی ۱۴ ضمیر با ۱۴ فعل اهمیت دارد. | <p>۹. ضَعِ فِي الْفَرَاغِ ضَمِيرًا مَنَاسِبًا: الف) ما وَضَعُوا. (هم - هي - هو) ب) ما عَلِمْنَا. (أنا - نحن - أنت) ج) لا نَسِي. (نحن - أنتم - هي) د) سَتَنْزِلُونَ. (نحن - أنتن - أنتم)</p> | | |
| ۱ | <p>۱۰. اَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى وَالْقَوَاعِدِ: الف) واحدة في الحديقة. (تلميذة - تلميذة - تلميذة) ب) أذهب إلى العرْفَةِ (الرابعة - الرابع - أربع) ج) الجار بما حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ. (حَبْرَتٌ - أُخْبِرُونَا - أُخْبِرْنِي) د) رأيت في الفُنْدُقِ فارغَةً. (حُجْرَةٌ - حُجْرَةٌ - حُجْرَاتٌ)</p> | | | |
| درس سوم | | | | |
| ۰/۲۵ | <p>۱۱. اَكْتُبْ تَرْجُمَةَ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ: كَسَرَ الطُّفْلُ الرَّجَاجَ.</p> | | | |
| ۱/۵ | ب) الأسماكُ ليست مُتَعَلِّقَةٌ بِالمِيَاهِ المُجَاوِرَةِ بِلِمْبِيَاهِ المُحِيطِ الأَطْلَسِيِّ. | <p>۱۲. للتَّرْجُمَةِ: الف) ﴿وَ يُتْرَلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا﴾ ج) أَدَبَ الْوَالِدُ الطُّفْلَ فَتَأَدَّبَ.</p> | | |

| شماره | رشته: ادبیات و علوم انسانی | مدت آزمون: ۹۰ دقیقه | kheilisabz.com | عربی زبان قرآن (۱) |
|------------------|---|--------------------------------------|------------------------------------|--|
| ردیف | آزمون شماره ۱ | | | نوبت اول پایه دهم دوره متوسطه دوم |
| ۱۳ | انتخب الترجمة الصحيحة: الف) «سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا» ۱) کسانی به دیگران ستم کردند خواهند فهمید. ب) المواطنُ من يعيشُ معَكَ في وطنك و هو من أهاليه. ۱) هم وطن کسی است که با تو در کشورت زندگی می کند و او از اهالی آن است. ۲) شهروند کسی است که با تو و همراه تو در شهر تو زندگی می کند و ساکن آن جا است. ۳) پشتیبان تو کسی است که تو را در کشورت کمک می کند و شایستگی های فراوانی دارد. | ۲) کسانی که ستم نمودند خواهند دانست. | ۳) به زودی خواهند شناخت ستمگران را | روی ترجمه فعل ها و کلمات مکث کنید |
| ۱۴ | أَكْتُبُ نوع الأفعال التي تحتها خطٌ و صيغتها: الف) هل تُصدِّقِينَ أن تَريينَ في يومٍ مِنَ الأيامِ أسماكاً تتساقطُ مِنَ السَّمَاءِ. ب) حَيَّرْتُ هذه الظاهرةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ فَمَا وَجَدُوا لَهَا جواباً. | | | نوع فعل یعنی شناخت زمان فعل، ماضی مثبت، ماضی منفی، مضارع، امر، نهی و |
| ۱۵ | إقرأ النَّصَّ ثُمَّ أجب عن الأسئلة: «يحدثُ» مطرٌ شديداً لمدَّة ساعتين أو أكثرَ ثمَّ تُصبحُ الأرضُ مفروشةً بالأسماكِ فيأخذها النَّاسُ ليطبخها و تناولها. حاولَ العُلَماءُ معرفةَ سِرِّ تلكِ الظَّاهرةِ العجيبةِ، فأرسلوا فريقاً لزيارة المكانِ و التَّعرفِ عَلَى الأسماكِ التي تتساقطُ عَلَى الأرضِ.» الف) ماذا يلاحظُ النَّاسُ؟ ب) كم مرَّةً تحدثُ الظَّاهرةُ؟ ج) ماذا يأخذُ النَّاسُ؟ د) ما هي مُحاولَةُ العُلَماءِ؟ ه) عَيِّن الأفعالَ المزيده في النَّصِّ و اكتبُ بابها. | | | اول سؤال های بعد از متن را بفوانید بعد بروید سراغ متن و پمله ای که تشابه کلمات دارد. |
| درس چهارم | | | | |
| ۱۶ | أَكْتُبُ ترجمة ما أُشيرَ إليه بخطِّ: الف) تعاشروا كالأخوان و تعاملوا كالأجانب. ب) تَضارَبَ سعيدٌ و مسعودٌ. ج) يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الأُمَّةِ الإسلاميَّةِ. | | | |
| ۱۷ | للتَّرجمة: الف) «إِنَّ هذه أُمَّتكم أُمَّةٌ واحدةٌ و أنا ربكم فاعبدون» ب) «الضَّيْفَةُ ثلاثَةُ أيَّامٍ فما زادَ فَهُوَ صدَقَةٌ.» ج) مَنْ رَأى مِنْكم أحداً يدعُو إلى التَّفْرِيفِ فَهُوَ عَميلُ العَدُوِّ. | | | |
| ۱۸ | كَمَل التَّرجمة: الف) عَلَى الصَّيْفِ أن يتحوَّلَ بعدَ ثلاثَةِ أيَّامٍ. ب) لا تَعْبُدُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَحداً. ج) الزَّرافَةُ لا تنامُ في اليَوْمِ الواحدِ إلاَّ أَقلَّ مِن ثلاثينَ دقيقةً. د) المُديرُ نَصَحنا و نَدَمنا عَلَى عَمَلِنا القَبِيحِ. | | | کلماتی از جمله را که ترجمه نشده، تشفیق دهید |
| ۱۹ | صَعَّ في الفراغِ فعلاً مناسباً: الف) الرُّملاءُ (عارفتم - عرفتن - تعارفوا) ج) نحنُ (لا يتعارفون - ما تعارفنا - ما تعارف) (لا يتعارفون - ما تعارفنا - ما تعارف) د) أنتنَّ (تعارفتن - تعرفون - تعارفتم) | | | به هماهنگی نهاد و گزاره (مبتدا و خبر) توبه کنید. |
| ۲۰ | أَكْتُبُ وزن الكلمات التالية و حروفها الأصليَّة: الف) أَدْخَلَ، يُدْخِلُ، إِدْخَالَ ب) ضَرَبُوا، إِضْرِبُ، ضَرْبٌ | | | |
| ۲۱ | صَعَّ في المُرَبِّعِ العدد المناسب. (جملةٌ واحدةٌ زائدةٌ) ۱) الفارغُ <input type="checkbox"/> قِطْعَةٌ مِنَ الأَرْضِ ۲) البُقْعَةُ <input type="checkbox"/> إِسْمٌ إِشارةً لِغيرِ القَرِيبِ. ۳) المُحِيطُ <input type="checkbox"/> أَكْبَرُ مِنَ البَحْرِ كَثْرَةً ۴) ذاك <input type="checkbox"/> لَيْسَ في داخِلِهِ شَيْءٌ <input type="checkbox"/> في ذلكِ الوَقْتِ | | | اول جمله ها را بفوانید بعد بروید به سراغ کلمات مناسب آن ها. |
| ۲۰ | موفق باشید | جمع نمرات | | |

| ردیف | آزمون شماره ۹ | نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم | نمره |
|------|---|---|---------------------|
| | عربی زبان قرآن (۱) | رشته: ادبیات و علوم انسانی | مدت آزمون: ۹۰ دقیقه |
| | kheilisabz.com | | |
| | | | |
| ۱ | مهارت واژه‌شناسی اَكْثَبُ ترجمة ما أشير إليه بخط: الف) يَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ. ج) مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَاغِقِ الْعَامَّةِ؟ | ب) رَأَيْتُ الطَّيَّارَ وَاقْفًا جَنْبَ الطَّائِرَةِ. د) الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ عَلَى بُعْدِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا. | ۱ |
| ۲ | عَيْنَ مَا طَلَبَ مِنْكَ: الف) حَمِيمٍ (بِالْفَارْسِيَّةِ): ب) حُجْرَةٌ (الْمُرَادِفُ): ج) صِغَارٍ (الْمُتَضَادُّ): د) عَمِيلٍ (الْجَمْعُ): | <input type="checkbox"/> صميمي <input type="checkbox"/> غرفة <input type="checkbox"/> أكبر <input type="checkbox"/> عميلات <input type="checkbox"/> پرتلاش <input type="checkbox"/> نافذة <input type="checkbox"/> كيار <input type="checkbox"/> عملاء | ۱ |
| ۳ | إِنْتخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: الف) أَيْنَ تَقَعُ قَلْعَةُ الْوَالِي؟ (كجا - چه وقت - چگونه) ج) الْلَوْنُ الْأَبْيَضُ لَوْنُ الْهُدُوءِ. (سفید - سیاه - زرد) | ب) لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا. (دروغ می گوید - تکذیب می کند - دروغ نمی گوید) د) فَحَصَّ الطَّيِّبُ أَسْنَانَ الطِّفْلِ. (معالجه کرد - نسخه نوشت - معاينه کرد) | ۱ |
| ۴ | مهارت ترجمه به فارسی لِلتَّرْجُمَةِ: الف) ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفْلا تَسْمَعُونَ﴾ ج) ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا﴾ هـ) «إِذَا قَدَرْتُ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ» ز) يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سَرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. ط) لِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا عَنِ مَنْطِقَةِ الْخَطِرِ. | ب) ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ د) «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ» و) اثْنَانِ وَخَمْسُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي سِتَّةً وَعِشْرِينَ. ح) إِلَهِي قَدْ انْقَطَعَ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَأَنْتَ رَجَائِي. ي) قُبَّةُ سُلْطَانِيَّةٍ فِي زَنْجَانٍ وَ مُتَحَفٌ التُّرَاثِ الرَّيْفِيُّ قُرْبَ رِشْتِ. | ۵ |
| ۵ | كَمَلِ التَّرْجُمَةَ: الف) عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. ب) ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ ج) ﴿وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلَقُونَ﴾ د) ﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ | «تو باید؛ چرا که» «ما آن‌ها را زیرا آن‌ها» «و کسانی که غیر خدا را می‌خوانند را نمی‌آفرینند در حالی که» «و زمانی که موسی به قوم خود ای قوم من! قطعاً شما به ستم کردید.» | ۲ |
| ۶ | إِنْتخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ: الف) أَلْيَوْمِ السَّادِسِ مِنْ أَيَّامِ الْأَسْبُوعِ يَوْمُ الْحَمِيرِ. ب) رُوز ششم از روزهای هفته روز پنجشنبه است. ج) سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى الْهُدُوءِ. د) بِه روستای مسافرت کردیم تا به آرامش کامل برسیم. | ۱) رُوز ششم از روزهای هفته روز پنجشنبه است. ۲) رُوز ششم هر هفته روز تعطیل است. ۱) به روستای مسافرت کردیم تا به آرامش کامل برسیم. ۲) به روستای مسافرت کردیم زیرا ما به آرامش نیاز داریم. | ۰/۵ |
| ۷ | مهارت شناخت و کاربرد قواعد عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ نَائِبِ الْفَاعِلِ وَ ادُّكُرُ إِعْرَابِهِمَا: الف) تَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ مُشْتَقَّاتِ النَّفْطِ. | ب) يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْأَبَارِ إِلَى الْمَصَافِي. | ۰/۵ |
| ۸ | عَيْنِ الْأِسْمِ الْمَجْرُورِ وَ ادُّكُرُ عِلْمَةِ الْجَرِّ: الف) حَسُنُ السُّؤَالِ نَصْفُ الْعِلْمِ. | ب) مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. | ۰/۵ |
| ۹ | عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْرَبَةِ فِي الْعِبَارَةِ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ | | ۰/۵ |
| ۱۰ | عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمَبْنِيَّةِ: الف) هُوَ - هَذَا - قُلُوبٌ - رَجُلٌ | ب) مَا - قَلَمٌ - مِنْ - يَدٍ | ۰/۵ |

| شعار | kheilisabz.com | مدت آزمون: ٩٥ دقيقة | رشته: ادبيات و علوم انسانی | عربی زبان قرآن (١) |
|------|--|---------------------|--|--------------------|
| نمره | نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم | | آزمون شماره ٩ | |
| ١ | ب) كَانَ لِصَدِيقِي مَرَضٌ جَلْدِي | | ١١ عَيْنِ الصِّفَةِ وَ الْمِضَافِ إِلَيْهِ ثُمَّ أَدْكُرُ إِعْرَابَهُمَا: الف) أَنْظِرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ | |
| ١ | ب) اَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ. | | ١٢ أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةَ وَ اَدْكُرْ عِلَامَةَ إِعْرَابِهَا: الف) اَلصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. | |
| ٥/٥ | ب) اَلْغُرَابُ يَعِيشُ عِشْرِينَ إِلَى ثَلَاثِينَ. (سنة - سنه - سنوات) | | ١٣ أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عِدَدًا أَوْ مَعْدُودًا مَنَاسِبًا: الف) طُولُ قَامَةِ الزَّرَافَةِ أَمْتَارٍ. (سَتْ - سَتْ - سَتَّةُ) | |
| ٥/٥ | ب) ﴿ لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ ﴾ | | ١٤ عَيْنِ الْفِعْلِ الْاَلْزَمِ وَ الْمُتَعَدِّي فِي الْعِبَارَةِ: الف) تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ. | |
| ١ | ب) الْعَالَمُ بِلَا كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. (عمل - عملاً - عملٍ) د) أَدَبُ الْمَرْءِ مِنْ ذَهَبِهِ. (خير - خيراً - خيراً) | | ١٥ أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً حَسَبِ الْمَعْنَى وَ الْقَوَاعِدِ: الف) ﴿ وَ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا ﴾ (المؤمن - الكافر - المتقي) ج) عَلَيكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَاتَهُ نَوْزٌ (القلب - القلوب) | |
| ١ | ب) هُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِّنْ جَوَاسِيسِ الْغَايَةِ. | | ١٦ عَيْنِ الْمَبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ وَ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ وَ اَدْكُرْ عِلَامَةَ إِعْرَابِهَا: الف) يَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمَ. | |
| ٢/٥ | | | ١٧ مهارت درک و فهم إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: الدَّلْفَيْنِ حَيَوَانَ ذَكِي يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! يَسْتَطِيعُ أَنْ يُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانِ عَرْقِ سَفِينَةٍ. تُؤَدِّي الدَّلْفَيْنِ دَوْرًا مُّهِمًّا فِي الْخَرْبِ وَ السَّلَامِ وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اِكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ. هِيَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً وَ تَتَكَلَّمُ مَعًا. الف) إِلَى أَيْنَ يُرْشِدُنَا الدَّلْفَيْنِ؟ ج) عَلَامَ (على + ما) تُسَاعِدُ الدَّلْفَيْنِ الْإِنْسَانَ؟ هـ) مَا هِيَ الْحُرُوفُ الْأَصْلِيَّةُ لِلْأَفْعَالِ: يُحِبُّ، يُرْشِدُ، تُؤَدِّي، تَتَكَلَّمُ | |
| ٢٥ | جمع نمرات | | موفق باشيد | |

پاسخنامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- صبحانه را در رستوران خوردم.
 ۲- الف نَصْرَة: تر و تازه
 ب مَجِد: مجتهد (کوشا)
 ج رَخِيصَة ≠ غَالِيَة (ارزان ≠ گران)
 د ذَرَّ: جمع آن ← ذَرَّر (مرواریدها)
- ۳- الف ستایش از آن خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و (در آنها) تاریکیها و روشنایی را قرار داد.
 ب و او (خداوند) آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست.
بررسی: الف الحمد: حمد و ستایش / حَلَقَ: فعل ماضی، ثلاثی مجرد، معلوم و متعدی، ضمیر مستتر «هو» فاعل آن، آفرید / السَّمَاوَاتِ: مفعول، آسمانها را / جَعَلَ: فعل ماضی، ثلاثی مجرد، معلوم و متعدی، فاعل آن ضمیر مستتر «هو»، قرار داد / الظُّلُمَاتِ: مفعول تاریکیها را / التُّور: معطوف به «الظُّلُمَاتِ»، روشنایی
 ب زان: فعل ثلاثی مجرد، معلوم و متعدی، فاعل آن «هو» مستتر، آراست، زینت داد / هـ: مفعول، آن را / بَأْنَجِم: با ستارگانی / الدُّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ: ترکیب وصفی (موصوف، جمع مکسر غیرانسان + صفت به صورت مفرد مؤنث)، مرواریدهای پراکنده
- ۴- الف درست
 ب نادرست
بررسی: الف اعداد اصلی به ترتیب اینگونه است: واحد (یک)، اثنان (دو)، ثلاثة (سه)، أربعة (چهار)، خمسة (پنج) ... (درست)
 ب اعداد ترتیبی به ترتیب اینگونه است: الأول (اول)، الثاني (دوم)، الثالث (سوم)، الرابع (چهارم)، الخامس (پنجم) ...
 ۵- الف او از (حفظ) آرامش در کلاس مراقبت می‌کند.
 ب تو اهل کدام شهری؟
 ج تو روبه‌روی در سازمان ایستادی.
 ۶- الف قطعاً شما مسئول هستید حتی در مورد مکانها و چارپایان.
 ب هفتاد و پنج به اضافه بیست و پنج برابر است با صد.
بررسی: الف إن: قطعاً / كُمْ: شما / مسؤولون: مسئول هستید / عن البقاع: در مورد مکانها / البهائم: معطوف، چارپایان
 ب خمسة و سبعون: مبتدا، عدد اصلی به صورت معطوف، هفتاد و پنج / زائد: خبر، به اضافه / خمسة و عشرين: عدد اصلی به صورت معطوف، بیست و پنج / يساوي: فعل مضارع در باب مفاعلة، فاعل آن «هو» مستتر / مئة: مفعول، صد
- ۷- الف جاء: آمد، لازم / قام: ایستاد، لازم
 ب أُرْسَلْنَا: فرستادیم، متعدی / أُنزِلَ: فرو فرستاد، متعدی
- ۸- الف کتابانِ إثنان (دو کتاب) (ب) المدرسة العاشرة (مدرسه دهم)
بررسی: الف چون «کتابان» به صورت مثنی و با «ان» آمده است عدد آن نیز به عنوان صفت آن با «ان» می‌آید ← إثنان
 ب چون «المدرسة» اسم مفرد مؤنث است صفت آن نیز که عدد ترتیبی است به صورت مؤنث می‌آید ← العاشرة
- ۹- الف هُم (ب) نحن (ج) نحن (د) أنتم
بررسی: الف چون فعل به صورت جمع مذکر غایب آمده (وضوعا)، ضمیر منفصل مناسب آن به صورت جمع مذکر غایب می‌آید: هُم ما وضوعوا (آن‌ها قرار ندادند).
 ب چون فعل به صورت متکلم مع‌الغیر آمده (ما علمنا)، ضمیر منفصل مناسب آن به صورت متکلم مع‌الغیر می‌آید: نحن ما علمنا (ما ندانستیم).
 ج چون فعل به صورت متکلم مع‌الغیر آمده (لا ننسى)، ضمیر منفصل مناسب آن به صورت متکلم مع‌الغیر می‌آید: نحن لا ننسى (ما فراموش نمی‌کنیم)

- د چون فعل به صورت جمع مذکر مخاطب آمده (ستنزلون)، ضمیر منفصل مناسب آن به صورت جمع مذکر مخاطب می‌آید: أنتم ستنزلون (شما پایین نخواهید آمد)
نکته: به هماهنگی حرفی میان ضمیرهای منفصل و متصل توجه کنید:
 «الف» در «هُمَا» و «فَعَلَا» و «يَفْعَلَانِ» «نَ» در «هِنَّ» و «فَعَلْنَ» و «يَفْعَلْنَ»
 «ت» در «أَنْتِ» و «فَعَلْتِ» و «تَفْعَلُ» «تُما» در «أَنْتِما» و «فَعَلْتِما»
 «م» در «أَنْتُمْ» و «فَعَلْتُمْ» «تَ» در «أَنْتِ» و «فَعَلْتِ»
 «نَ» در «أَنْتَنَّ» و «فَعَلْتَنَّ» «أَ» در «أَنَا» و «أَفْعَلُ»
 «ن» در «نَحْنُ» و «فَعَلْنَا» و «نَفْعَلُ»
- ۱۰- الف تلميذة (ب) الزابعية (ج) أخبرني (د) حُجْرَة
بررسی: الف با توجه به کلمه بعد از جای خالی، «واحدٌ: یک»، باید در جای خالی اسمی بیاید که هم مفرد باشد و هم اعراب آن مانند «واحدة» مرفوع (ت) باشد ← تلميذة
نکته: یک دانش‌آموز (دختر) در باغ است.
 ب با توجه به کلمه پیش از جای خالی «الغرفة: اتاق» باید در جای خالی اسمی بیاید که هم مؤنث باشد و هم مجرور ← الزابعية
نکته: به اتاق چهارم می‌روم.
 ج با توجه به واژه «الجوار: همسایه» که مفرد و مذکر است، فعل نیز مفرد و مذکر می‌آید ← أَخْبَرَنِي
نکته: همسایه از آن‌چه در خیابان اتفاق افتاد، مرا باخبر کرد.
 د با توجه به واژه «فارغة» که مفرد و مؤنث است و نقش صفت را دارد در جای خالی نیز موصوف به صورت مفرد و مؤنث می‌آید ← حجرة
نکته: در هتل، یک اتاق خالی را دیدم.
 ۱۱- کودک شیشه را شکست.
 ۱۲- الف او (خداوند) برای شما از آسمان رزقی نازل می‌کند.
 ب ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند بلکه به آب‌های اقیانوس اطلس تعلق دارند.
 ج پدر، کودک را ادب کرد و او ادب شد.
بررسی: الف يُتْرَلُ: فعل مضارع ثلاثی مزید در باب تفعیل و معلوم و متعدی، فاعل آن ضمیر مستتر «هو»، نازل می‌کند / رزقاً: مفعول، رزق و روزی
 ب الأسماءُ: ماهی‌ها / ليست: نیست / المياه المجاورة: ترکیب وصفی، آب‌های مجاور
نکته: اگر اسمی جمع غیرانسان باشد آن اسم در حکم یک اسم مفرد مؤنث تلقی می‌شود، در نتیجه فعل، صفت و ... برای آن مفرد مؤنث می‌آید:
 المياه المجاور (نادرست) ← المياه المجاورة (درست)
 مفع مفسر مفرّد مکرر مفع مفسر مفرّد مؤنث غیرانسان
 المحيط الأطلسي: ترکیب وصفی، اقیانوس اطلس
 ج أدب: فعل ماضی در باب تفعیل، معلوم و متعدی، ادب کرد / الوالد: فاعل، پدر / الطفل: مفعول، کودک را / تأدّب: فعل ماضی در باب تفعّل، معلوم و لازم، ادب شد
- ۱۳- الف ۲ (ب) ۱
بررسی: الف سَيَعْلَمُ: فعل مستقبل، مفرد مذکر غایب، خواهد دانست، خواهند دانست (به اعتبار این که فاعل آن (الَّذِينَ) جمع است / الَّذِينَ: فاعل، کسانی که / ظَلَمُوا: فعل ماضی و فاعل آن ضمیر بارز (واو)، ستم نمودند.
 ب يَعِيشُ: فعل مضارع، زندگی می‌کند / معك: با تو / في وطنك: در کشورت
- ۱۴- الف تُصَدِّقِينَ ← فعل مضارع / مفرد مؤنث مخاطب / در باب تفعیل
 تَتَسَاقَطُ ← فعل مضارع / مفرد مؤنث غایب در باب تفاعل
 ب حَبِثْتُ ← فعل ماضی / مفرد مؤنث غایب / در باب تفعیل
 ما وَجَدُوا ← فعل ماضی / جمع مذکر غایب

۳) المحيط / أكبر من البحر كثرة (اقیانوس، از دریا بسیار بزرگتر است)
 ۴) ذاك / اسم إشارة لغير القريب (آن، اسم اشاره برای غیر نزدیک است)
 بر این اساس، عبارت «في ذلك الوقت: در آن زمان» اضافی است.

۱۵- الف) مردم چه چیزی را ملاحظه می‌کنند؟ مردم ابر سیاه بزرگی و باد نیرومندی و باران شدیدی را مشاهده می‌کنند. (يلاحظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رِيحاً قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا.)
 ب) پدیده چند بار اتفاق می‌افتد؟ این پدیده گاه‌گاهی دو بار در سال اتفاق می‌افتد.
 (تحدثت هذه الظاهرة مرتين في السنة أحياناً.)
 ج) مردم چه چیز می‌گیرند؟ مردم ماهی‌ها را می‌گیرند برای پختن و میل کردنشان.
 (فيأخذ النَّاسُ الأسماكُ لطبخها و تناولها.)
 د) تلاش دانشمندان چیست؟ تلاش دانشمندان شناخت راز آن پدیده عجیب است.
 (حاولَ العُلماءُ معرفة سرِّ تلك الظاهرة العجيبة.)

ه) فعل‌های مزید متن و باب آن‌ها:

يلاحظُ ← فعل مضارع در باب مفاعلة (لاحظ، يلحظ، ملاحظة)

تصبحُ ← فعل مضارع در باب إفعال (أصبح، يُصبح، إصباح)

حاولُ ← فعل ماضی در باب مفاعلة (حاول، يُحاول، محاولة)

أرسلوا ← فعل ماضی در باب إفعال (أرسل، يُرسل، إرسال)

تساقطُ ← فعل مضارع در باب تفاعل (تساقط، يتساقط، تساقط)

۱۶- الف) مانند برادران معاشرت کنید و مانند بیگانگان معامله کنید.

ب) سعید با مسعود زد و خورد کرد.

ج) وحدت امت اسلامی جلوه‌گر می‌شود.

۱۷- الف) قطعاً این امت شما امت واحدی است و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید.
 ب) مهمانی سه روز است، پس هر چه (به آن) اضافه شود آن (نوعی) صدقه (دادن) می‌شود.
 ج) هر کس از شما کسی را ببیند که به تفرقه و اختلاف فرامی‌خواند پس او مزدور دشمن است.
بررسی: الف) اَمْتِكُمْ: ترکیب اضافی، امت شما / أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ: ترکیب وصفی، یک امت.

أنا: من / رَبِّكُمْ: ترکیب اضافی، پروردگار شما / أَعْبُدُوا: فعل امر

جمع مذکر مخاطب، بپرستید / ن: در اصل «نی» بوده است یعنی نون وقایه «ن» و ضمیر «ی» که نقش مفعول را دارد. به معنی «مرا» و ضمیر «ی» حذف شده و کسره «ن» بیانگر حذف نون است چرا که کسره _ با حرف «ی» هماهنگی دارد و کسره یادآور «ی» است:
 فاعبدوني ← فاعبدوني

ب) الصَّيْفَانَةُ: مهمانی / ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ: مضاف و مضاف‌الیه، سه روز / ما: اسم شرط، هر چه /
 زاد: فعل ماضی ثلاثی مجرد، فعل شرط، اضافه شود

ج) مَنْ: اسم شرط، هر کس / رَأَى: فعل ماضی، فعل شرط، ببیند / أَحَدًا: مفعول، کسی را /
 يَدْعُو: فعل مضارع و فاعل آن «هو» مستتر، دعوت می‌کند / إِلَى التَّفَرُّقَةِ: به تفرقه و اختلاف /
 عميلُ العدوِّ: ترکیب اضافی، مزدور دشمن

۱۸- الف) مهمان باید جابه‌جا شود (برود) بعد از سه روز.

ب) به جز خدا کسی را نپرستید.

ج) زرافه در یک روز تنها کم‌تر از سی دقیقه می‌خوابد.

د) مدیر ما را نصیحت کرد و ما را به خاطر کار زشتمان پشیمان کرد.

۱۹- الف) الرُّمَلَاءُ تعارفوا. ب) الطَّالِبَانِ يتعارفان.

ج) نحنُ ما تعارفنا. د) أنتنَّ تعارفتنَّ.

بررسی: الف) الرُّمَلَاءُ (هم‌کلاسی‌ها)، جمع مکسر و مذکر است و با فعل جمع مذکر غایب «تعارفوا» هماهنگی دارد: هم‌کلاسی‌ها همدیگر را شناختند.

ب) الطَّالِبَانِ (دانش‌آموزان) اسم مثنی است و با فعل مثنای مذکر غایب هماهنگی دارد / «يتعارفان»: دانش‌آموزان همدیگر را می‌شناسند.

ج) نحنُ (ما)، ضمیر متکلم مع‌الغیر است و با فعل متکلم مع‌الغیر «ما تعارفنا» هماهنگی دارد: ما همدیگر را شناختیم.

د) أنتنَّ (شما)، ضمیر جمع مؤنث مخاطب است و با فعل جمع مؤنث مخاطب «تعارفتنَّ» هماهنگی دارد: شما همدیگر را شناختید.

۲۰- الف) وزن کلمات به ترتیب ← أَفْعَلٌ، يُفْعَلُ، إِفْعَالٌ ← حروف اصلی ف ع ل / د خ ل
 ب) وزن کلمات به ترتیب ← فَعَلُوا، إِفْعَلُ، فَعَلٌ ← حروف اصلی: ف ع ل / ض ر ب

۲۱- (۱) الفَارِغُ / لیس فی داخله شیءٌ (خالی، چیزی در داخلش نیست)

(۲) البَقْعَةُ / قِطْعَةٌ مِنَ الأَرْضِ (مکان، قطعه‌ای از زمین است)

ج) صغار # کبار (کوچک‌ها # بزرگ‌ها)

د) غمیل: جمع آن ← غملاء (مزدوران)

۳- الف) کجا (ب) دروغ می‌گوید.

ج) سفید (د) معاینه کرد.

زیرنسی: الف) قلعه والی کجا واقع است؟ (آین: کجا)

ب) عاقل سخن کسی را که بسیار دروغ می‌گوید باور نمی‌کند. (یکذب: دروغ می‌گوید)

ج) رنگ سفید رنگ آرامش است. (الأبيض: سفید)

د) پزشک دندان‌های کودک را معاینه کرد. (فحص: معاینه کرد)

۴- الف) معبودی به‌جز خدا کیست که نوری برای شما بیاورد. آیا گوش نمی‌دهید؟

ب) خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آوردند، آن‌ها را از تاریکی‌های (نادانی و ظلم)

به سوی روشنایی بیرون می‌آورد.

ج) قطعاً ما امیدواریم که پروردگاران خطاهای ما را ببامرزد.

د) رئیس قوم (گروه) خدمتکار آن‌ها در مسافرت است.

ه) زمانی که بر دشمنان توانمند می‌شوی، پس عفو و گذشت را به عنوان شکر توانایی بر او

قرار بده.

و) پنجاه و دو تقسیم بر دو برابر می‌شود با بیست و شش.

ز) دانشمندان از شناخت راز آن پدیده شگفت ناامید شدند.

ح) معبود! امید من به خلق (مردم) قطع شده است و تو امید من هستی.

ط) کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیه حیوانات هشدار می‌دهد تا این‌که فوری از منطقه

خطر دور شوند.

ی) گنبد سلطانیه در زنجان و موزه میراث روستایی نزدیک رشت است.

زیرنسی: الف) مَنْ: اسم استفهام، خبر مقدم، چه کسی / إله: مبتدای مؤخر، معبودی /

غیرُ الله: ترکیب اضافی، غیر خدا، جز خدا / یأتی: فعل مضارع، می‌آید / یأتي به: می‌آورد /

كَمْ: ضمیر مفعولی متصل، شما را / ضیاء: نور، روشنایی / أ: حرف استفهام / لا تسمعون: فعل مضارع منفی، گوش نمی‌دهید.

ب) الله: مبتدا و مرفوع به ضمه، خداوند / ولي: خبر و مرفوع به ضمه، سرپرست / وليُّ

الَّذین: مضاف و مضاف‌الیه، سرپرست کسانی است که / آمنوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب،

ایمان آوردند / يُخرج: فعل مضارع و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» / هم: مفعول و منصوب، مبنی،

آن‌ها را / مِنَ الظلمات: جار و مجرور، از تاریکی‌ها / إلی التور: جار و مجرور، به سوی نور

ج) إنا (در اصل «إنا» بوده است): همانا ما / نطمع: فعل مضارع متعدی، امیدواریم / أن یغفر:

فعل مضارع التزامی، که بیامرزد / لنا: جار و مجرور، برای ما / رَبُّ: فاعل و مرفوع به ضمه

هـ / رأنا: مضاف و مضاف‌الیه، پروردگار ما / خطایا: مفعول و منصوب، خطاهای ما / خطایانا:

ترکیب اضافی، خطاهای ما

د) سیّد: مبتدا و مرفوع به ضمه، رئیس / القوم: مضاف‌الیه و مجرور به کسره / خادم:

خبر و مرفوع به فتحه، خدمتکار / خادمهم: ترکیب اضافی، خدمتگزار آن‌ها

في السفر: جار و مجرور، در سفر

ه) إذا: قید زمانی، زمانی که / قدرت: فعل ماضی، توانمند شدی، در این‌جا به دلیل این‌که

بعد از «إذا» آمده است، مضارع ترجمه می‌شود «توانمند می‌شوی» / علي عدوك: جار و

مجرور و مضاف‌الیه، بر دشمنان / جعل: فعل امر متعدی که دو مفعول می‌خواهد / العفو:

مفعول اول آن و منصوب به فتحه / شکرأ: مفعول دوم آن و منصوب به فتحه / للقدرة:

جار و مجرور، به خاطر قدرت / علیه (علی + ه): جار و مجرور، بر او

و) اثنان و خمسون: عدد اصلی، عدد معطوف که هر دو جزء آن مرفوع است به دلیل مبتدا

بودن، «اثنان» مرفوع با علامت الف (ا) و «خمسون» مرفوع با علامت «و»، روی هم ← پنجاه

و دو / تقسیم: صفت و مرفوع به ضمه / علي اثنين: جار و مجرور با علامت «به»، بر دو /

یساوي: فعل و فاعل آن ضمیر «هو» مستتر، نقش خبر را دارد / ستّه و عشرین: نقش مفعول

را دارد و منصوب به فتحه / در جزء اول و «به» در جزء دوم، بیست و شش

ز) یتس: فعل ماضی، ناامید شدند (به اعتبار این‌که فاعل در «العلماء» جمع است، فعل جمع

ترجمه شده است) / العلماء: فاعل و مرفوع به ضمه، دانشمندان / من معرفة: جار و مجرور، از

شناخت / سرّ تلك: مضاف و مضاف‌الیه، راز آن / الظاهرة العجیبه: موصوف و صفت، پدیده عجیب

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- الف) نفت به وسیله لوله بالا می‌رود.

ب) خلبان را ایستاده در کنار هواپیما دیدم.

ج) مقصود از تأسیسات عمومی چیست؟

د) سگ می‌تواند صدای ساعت را از مسافت چهل قدمی بشنود.

۲- الف) حمیم: گرم و صمیمی

ب) حُجرة # عُرْفَة (اتاق)

ح) إلهي: مضاف و مضاف الیه، معبودا / قَدْ انْقَطَعَ: فعل ماضی نقلی، قطع شده است / رجاء: فاعل و مرفوع / ی: مضاف الیه و مجرور / رجائي: ترکیب اضافی، امیدم / عن الخلق: جار و مجرور، از خلق / أنت: مبتدا و مرفوع، مبنی، تو / رجاء: خبر و مرفوع / رجائي: مضاف و مضاف الیه

ط) للغراب: جار و مجرور، خبر مقدم، کلاغ ... دارد، برای کلاغ ... است / صوت: مبتدای مؤخر، صدایی / یُحَدَّرُ: فعل متعدی و فاعل آن ضمیر مستتر «هو»، هشدار می‌دهد / به: جار و مجرور، با آن / بقیته: مفعول و منصوب به فتحه / الحيوانات: مضاف الیه و مجرور به کسره / حتی: تبتعد: فعل مضارع، تا دور شوند / سریعاً: قید حالت، سریع / عن منطقة: جار و مجرور، از منطقه / منطقة الخطر: ترکیب اضافی، منطقه خطر

ب) با توجه به عدد «عشرین: بیست» معدود مفرد و منصوب می‌آید ← سنه / ترجمه: کلاغ بیست سال تا سی سال زندگی می‌کند.

ی) قُبْتُ: مبتدا و مرفوع با ضمه م، گنبد / قُبَّة سلطانیة: ترکیب اضافی، گنبد سلطانیه / فی زنجان: جار و مجرور، در زنجان / متحف التراث: ترکیب اضافی، موزه میراث / التراثُ: الّزیفی: ترکیب وصفی، میراث روستایی / قرب رشت: ترکیب اضافی، نزدیک رشت

ب) دشمن من و دشمن خودتان را سرپرست نگیرید.

۵- الف) تو باید به یاد خدا باشی؛ چرا که آن روشنایی قلب است. ما آن‌ها را در رحمت خود وارد کردیم زیرا آن‌ها از انسان‌های شایسته هستند.

ج) «الکافر» درست است / ترجمه: کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم.

ج) و کسانی که غیرخدا را می‌خوانند چیزی را نمی‌آفرینند در حالی که آفریده می‌شوند.

ب) با توجه به حرف جر «ب» در جای خالی اسم مجرور می‌آید «عمل» / ترجمه: دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

توجه: حرف «و» پیش از «هم یخلقون» اصطلاحاً واو حالیه گفته می‌شود و معنای آن «در حالی که» است.

ج) با توجه به اسم پیش از جای خالی که مضاف است، در جای خالی اسم مجرور می‌آید به عنوان مضاف الیه «القلب» / ترجمه: تو باید یاد خدا کنی زیرا که آن روشنایی قلب است.

د) و زمانی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! قطعاً شما به خودتان ستم کردید.

د) با توجه به واژه‌های «أدب» و «المرء» که به ترتیب مبتدا و مضاف الیه هستند در جای خالی خبر می‌آید و اعرابش مرفوع است «خیر» / ترجمه: ادب انسان از طلایش بهتر است.

توجه: «یا قوم» در اصل «یا قومی» بوده که حرف «ی» آن حذف شده است و به جای آن کسره در «قوم» آمده است: ای قوم من!

۱۶- الف) یلعن: فعل متعدی / القطن: فاعل و مرفوع به ضمه م / جرح: مفعول و منصوب به فتحه م / یلتئم: فعل لازم / فاعل آن ضمیر «هو» مستتر / ترجمه: گربه زخمش را چند بار می‌لیسد تا این‌که بهبود بیابد.

۶- الف) ۱) الیوم: مبتدا و مرفوع به ضمه م / السّادس: صفت و مرفوع به ضمه م / الیوم السّادس: موصوف و صفت، روز ششم / من آیام الأسبوع: جار و مجرور و مضاف الیه، از روزهای هفته / یوم: خبر و مرفوع به ضمه م / الخمیس: مضاف الیه و مجرور به کسره م / یوم الخمیس: ترکیب اضافی، روز پنجشنبه

ب) هُوَ: مبتدا و مرفوع و مبنی / بمنزلة: جار و مجرور و خبر / ترجمه: آن به مانند جاسوسی از جاسوس‌های جنگل است.

ب) سافرنّا: فعل ماضی و فاعل آن ضمیر بارز «نا»، مسافرت کردیم / إلی قریة: جار و مجرور، به روستایی / لآنتا (ل + أن + نا): زیرا که ما / بحاجّة: جار و مجرور، نیاز داریم / إلی الهدوء: جار و مجرور، به آرامش

۱۷- الف) دلفین ما را به کجا راهنمایی می‌کند؟ دلفین می‌تواند ما را به مکان سقوط هواپیما یا مکان غرق شدن کشتی راهنمایی کند. (یستطیع أن یرشدنا إلی مکان سقوط طائرة أو مکان غرق سفینة)

۷- الف) تَنقَلُ: فعل ماضی معلوم متعدی، منتقل می‌کنند / النّاقلات: فاعل و مرفوع به ضمه م / ترجمه: نفت‌کش‌ها فرآورده‌های نفت را منتقل می‌کنند.

ب) دلفین‌ها انسان را در چه چیزی کمک می‌کنند؟ دلفین‌ها انسان را به کشف مکان‌های تجمع ماهی‌ها کمک می‌کنند. (تُساعد الانسان علی اکتشاف اماكن تجمع الأسماك)

ب) یُنقَلُ: فعل مضارع مجهول، منتقل می‌شود / النّقط: نایب فاعل و مرفوع به ضمه م / ترجمه: نفت از چاه‌ها به پالایشگاه‌ها منتقل می‌شود.

ج) دلفین‌ها انسان را در چه چیزی کمک می‌کنند؟ دلفین‌ها انسان را به کشف مکان‌های تجمع ماهی‌ها کمک می‌کنند. (تُساعد الانسان علی اکتشاف اماكن تجمع الأسماك)

۸- الف) «السؤال» و «العلم» مضاف الیه و مجرور به کسره م / العلماء: مضاف الیه و مجرور به کسره م / الف) خوب سؤال کردن، نصف علم است.

د) آیا دلفین حیوان احمق است؟ نه، دلفین حیوان باهوشی است (الدلفین حیوان ذکي)

ب) هم‌نشینی با دانشمندان عبادت است.

ه) حروف اصلی فعل‌ها:

۹- کلمات معرب: اسم، اللّهُ، الرّحمن، الرّحیم کلمة مبنی: پ (حرف)

یُرشد ← ر ش د
تتکلم ← ک ل م
یُحب ← ح ب ب
تؤدی ← ء د ی

۱۰- الف) کلمات مبنی: هُوَ (ضمیر)، هذا (اسم اشاره) ب) کلمات مبنی: ما (اسم استفهام)، من (حرف)

د) آیا دلفین حیوان احمق است؟ نه، دلفین حیوان باهوشی است (الدلفین حیوان ذکي)

۱۱- الف) ذات الغصون: ترکیب اضافی، الغصون (مضاف الیه و مجرور) / الغصون النّضرة: ترکیب وصفی / النّضرة (صفت و مجرور)

ب) «ی» در «صدیقی» مضاف الیه و مجرور و مبنی / جلدی: صفت و مرفوع

۱۲- الف) مفتاح: خبر و مرفوع به ضمه م / خیر: مضاف الیه و مجرور به کسره م / العلم: مبتدا و مرفوع به ضمه م / قید: خبر و مرفوع به ضمه م

ب) علم شکار و نوشتن بند (آن) است.

توجه: الف) نماز کلید هر نیکی است. ب) علم شکار و نوشتن بند (آن) است.

۱۳- الف) سنه ب) سنه

ب) سنه

ب) «ی» در «صدیقی» مضاف الیه و مجرور و مبنی / جلدی: صفت و مرفوع

ب) علم شکار و نوشتن بند (آن) است.

۱۲- الف) مفتاح: خبر و مرفوع به ضمه م / خیر: مضاف الیه و مجرور به کسره م / العلم: مبتدا و مرفوع به ضمه م / قید: خبر و مرفوع به ضمه م

ب) علم شکار و نوشتن بند (آن) است.

توجه: الف) نماز کلید هر نیکی است. ب) علم شکار و نوشتن بند (آن) است.

ب) سنه

۱۳- الف) با توجه به این‌که پس از جای خالی، معدود به صورت جمع و مجرور آمده و مفرد آن مذکر است، «متر» عدد از نظر جنس مخالف آن می‌آید ← سنه / ترجمه: طول قامت زرافه شش متر است.

درس نامه توپ برای شب امتحان

اسم اشاره: اسمی است که برای اشاره کردن به کار می‌رود و دارای دو نوع نزدیک (القرب) و دور (البعید) است.

| مفرد | مثنی | جمع | |
|-------|---------------|----------|--------------------------------|
| هذا | هذان - هذین | هؤلاء | ← إشارة للقرب (اشاره به نزدیک) |
| هذه | هاتان - هاتین | هؤلاء | |
| (این) | (این دو) | (این‌ها) | معنی |
| ذلك | — | أولئك | ← إشارة للبعید (اشاره به دور) |
| تلك | — | أولئك | |
| (آن) | — | (آن‌ها) | معنی |

کلمات پرسشی

| أ | هل | من | ما | أین | متی | کیف | کم | لم (لماذا) |
|-----|-----|----------|------------|-----|---------|-------|--------|------------|
| آیا | آیا | چه کسی | چه چیزی | کجا | چه زمان | چگونه | چند | چرا |
| | | چه کسانی | چه چیزهایی | | | | چه قدر | |

اعداد: به دو گروه تقسیم می‌شوند:

1. **اعداد اصلی:** که بیانگر تعداد هستند.

2. **اعداد ترتیبی:** که بیانگر ترتیب و رتبه هستند (که در فارسی با پسوند «م» یا «مین» و در عربی بر وزن «الفاعل» یا «الفاعلة» به کار می‌روند).

| اعداد اصلی، یک تا دوازده | |
|--------------------------|----------------|
| یک: | واحد: سبعة |
| دو: | اثنان: ثمانية |
| سه: | ثلاثة: نه |
| چهار: | أربعة: ده |
| پنج: | خمسة: أحد عشر |
| شش: | سبعة: اثنا عشر |

| اعداد ترتیبی، یکم تا دوازدهم | |
|------------------------------|---|
| یکم: | الأول / الأولى: السابعة / السابعة |
| دوم: | الثاني / الثانية: الثامن / الثامنة |
| سوم: | الثالث / الثالثة: التاسع / التاسعة |
| چهارم: | الرابع / الرابعة: العاشر / العاشرة |
| پنجم: | الخامس / الخامسة: الحادي عشر / الحادية عشرة |
| ششم: | السادس / السادسة: الثاني عشر / الثانية عشرة |

قواعد درس اول: مرور قواعد عربی هفتم، هشتم و نهم

علامت‌ها: فتحة َ / كسرة ِ / ضمه ُ / تنوين ً ٍ ٌ

اسم

اسم از نظر عدد: در عربی هر اسمی بیانگر تعداد خاصی است که عبارت‌اند از:

مفرد (یکی)، مثنی (دوتا) و جمع (بیشتر از دوتا)

نکته 1: علامت مثنی (ان - ين): هم برای مذکر و هم برای مؤنث استفاده می‌شود.

البته علامت مؤنث (ة - ة) در مثنی تبدیل به «ته» می‌شود؛ مانند:

مدرسة ← مدرستين، مدرسيتين

نکته 2: جمع سالم: جمعی است که برای ساختن آن، باید نشانه جمع (ون - ين - ات)

را به انتهای اسم مفرد، اضافه کنیم؛ مانند:

عارف ← عارفون، عارفين / عارفة ← عارفات

نکته 3: جمع مکسر: جمعی است که روش و نشانه خاصی ندارد و فقط براساس شنیده‌ها

یاد گرفته می‌شود و در آن، شکل و نظم ظاهری اسم مفرد دچار تغییر می‌شود؛ مانند:

عارف ← عرفاء

آیا همه اسم‌های مفرد حتماً دارای جمع مکسر هستند؟ خیر، بعضی از اسم‌ها جمع مکسر ندارند.

اسم از نظر عدد

| جمع | | | مثنی | مفرد |
|------------|---------------|-----------------|-----------------|------------|
| مکسر | مؤنث سالم | مذکر سالم | ان - ين | بدون نشانه |
| بدون نشانه | ات | ون - ين | ان - ين | بدون نشانه |
| مثال | طببات - طببات | طبیبون - طبيبين | طبيبان - طبيبين | طبيب |
| معنی | پزشکان | پزشکان | دو پزشک | پزشک |

اسم از نظر جنس: در عربی هر اسمی، یا مذکر محسوب می‌شود و یا مؤنث؛ البته دلیل

مؤنث بودن در بعضی از اسم‌ها داشتن علامت مؤنث (ة - ة) است (مانند: مزرعة) و در

بعضی، داشتن معنای مخصوص مؤنث‌ها (مانند: أم: مادر)

اسم از نظر جنس

| مؤنث | | مذکر | | راه تشخیص |
|-------------|------------------|------------|----------------|-------------|
| معنای مؤنث | داشتن نشانه مؤنث | معنای مذکر | نداشتن «ة - ة» | نشانه |
| — | «ة - ة» | — | — | مثال |
| أم (مادر) | شجرة | أب (پدر) | يوم | أخت (خواهر) |
| أخت (خواهر) | مدرسة | أخ (برادر) | كتاب | |

آشنایی با صیغه (شخص) و صرف فعل‌های ماضی و مضارع: در فارسی، فعل‌ها و ضمیرها

برای شش شخص (شش حالت) به کار می‌رود. شخص در عربی، «صیغه» نامیده می‌شود.

| شخص یا صیغه در فارسی | شخص یا صیغه در عربی | ضمیر پیوسته | فعل ماضی | فعل مضارع |
|--------------------------|---------------------|-------------|---------------------------|-----------------------------|
| اول شخص مفرد (من) أنا | متکلم وحده | ي [م] | فَعَلْتُ (انجام دادم) | أَفْعَلُ (انجام می‌دهم) |
| دوم شخص مفرد (تو) أَنْتَ | مخاطب مفرد مذکر | كَ [ت] | فَعَلْتَ (انجام دادی) | تَفْعَلُ (انجام می‌دهی) |
| (تو) أَنْتِ | مفرد مؤنث | كَ [ت] | فَعَلْتِ (انجام دادی) | تَفْعَلِينَ (انجام می‌دهی) |
| سوم شخص مفرد (او) هُوَ | غائب مفرد مذکر | هـ / هـ [ش] | فَعَلَ (انجام داد) | يَفْعَلُ (انجام می‌دهد) |
| (او) هِيَ | مفرد مؤنث | ها [ش] | فَعَلَتْ (انجام داد) | تَفْعَلُ (انجام می‌دهد) |
| اول شخص جمع (ما) نَحْنُ | متکلم مع الغیر | نا [مان] | فَعَلْنَا (انجام دادیم) | نَفْعَلُ (انجام می‌دهیم) |
| دوم شخص جمع | مخاطب | | | |
| | جمع مذکر | كُمْ [تان] | فَعَلْتُمْ (انجام دادید) | تَفْعَلُونَ (انجام می‌دهید) |
| | جمع مؤنث | كُنَّ [تان] | فَعَلْتُنَّ (انجام دادید) | تَفْعَلْنَ (انجام می‌دهید) |
| | مثنی مذکر | كُما [تان] | فَعَلْتُمَا (انجام دادید) | تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهید) |
| | مثنی مؤنث | كُما [تان] | فَعَلْتُمَا (انجام دادید) | تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهید) |
| سوم شخص جمع | غائب | | | |
| | جمع مذکر | هُمْ [شان] | فَعَلُوا (انجام دادند) | يَفْعَلُونَ (انجام می‌دهند) |
| | جمع مؤنث | هُنَّ [شان] | فَعَلْنَ (انجام دادند) | يَفْعَلْنَ (انجام می‌دهند) |
| | مثنی مذکر | هُمَا [شان] | فَعَلَا (انجام دادند) | يَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند) |
| | مثنی مؤنث | هُمَا [شان] | فَعَلْتَا (انجام دادند) | تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند) |

| | |
|---|--|
| ماضی | دَخَلَ [وارد شد] |
| ماضی منفی ما + ماضی | مَا دَخَلَ [وارد نشد] |
| مضارع | يَدْخُلُ [وارد می‌شود] |
| مضارع منفی لا + مضارع | لَا يَدْخُلُ [وارد نمی‌شود] |
| مستقبل (آینده) سَوْفَ + مضارع | سَيَدْخُلُ [وارد خواهد شد] / سَوْفَ يَدْخُلُ [وارد خواهد شد] |
| نهی لا + مضارع مجزوم | لَا تَدْخُلُ [وارد نشو] |
| امر مضارع مجزوم با حذف «ت» و جایگزینی «ا» | ادْخُلْ [وارد شو] |

در ساختن امر و نهی، منظور از «مضارع مجزوم» چیست؟

برای ساختن فعل امر و نهی باید در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد کنیم (به این تغییرات، «مجزوم کردن» گفته می‌شود)، که شامل این موارد می‌شود:

۱ اگر در آخر فعل، ضمه (ـُ) داشتیم به سکون (ـْ) تبدیل کنیم؛ مانند:

تَجَلَّسَ ← لا تَجَلِّسْ

۲ «ن» را از آخر فعل، حذف کنیم به شرط این که قبلیش یکی از سه حرف (و - ا - یه) باشد؛ مانند:

تَجَلَّسُونَ - تَجَلَّسَانِ - تَجَلَّسِينَ ← لا تَجَلَّسُوا - لا تَجَلَّسَا - لا تَجَلَّسِي

۳ در جمع مؤنث، حرف «ن» شرط گفته شده را ندارد، پس «ن» حذف نمی‌شود؛ مانند:

تَجَلَّسْنَ ← لا تَجَلَّسْنَ

تذکره: تفاوت «لا» در فعل نهی و نفی چیست؟ (تفاوت لای نهی و نفی)

با به کار بردن «لا» در نهی باید انتهای فعل را تغییر دهیم (لا تجلس: ننشین) ولی با به کار بردن «لا» در نفی، انتهای فعل هیچ تغییری نمی‌کند (لا تجلس: نمی‌نشینی)

بنابراین روش ساختن فعل نهی: لا (لای نهی) + مضارع مجزوم

روش ساختن فعل امر: فعل امر فقط از صیغه‌های دوم شخص مفرد و جمع (مخاطب) در مضارع ساخته می‌شود؛ البته با انجام سه مرحله:

۱ حذف «ت» از ابتدای فعل مضارع (دوم شخص)

۲ جایگزین کردن «ا» به جای حرف حذف شده «ت»؛ البته به شرط این که حرف بعد از «ت» ساکن باشد (اگر ساکن نبود نیازی به جایگزین کردن «ا» نیست).

علامت «ا» به علامت حرف دوم ریشه بستگی دارد: اگر حرف دوم ریشه، ضمه داشت به «ا» ضمه می‌دهیم، اگر فتحه یا کسره داشت فقط کسره می‌دهیم:

ے ← اُ ے یا ِ ← اِ

(علامت فتحه (أ - آ) فقط در مورد خاصی از امر به کار می‌رود: درس چهارم باب افعال)

۳ انتهای فعل را به روش گفته شده تغییر می‌دهیم (یعنی مجزوم می‌کنیم)؛ مانند:

تَجَلَّسْ (می‌نشینی) ← امر → اِجْلِسْ (بنشین)

تَجَلَّسِينَ (می‌نشینی) ← امر → اِجْلِسِي (بنشین)

تَجَلَّسُونَ (می‌نشینید) ← امر → اِجْلِسُوا (بنشینید)

تَجَلَّسَانِ (می‌نشینید) ← امر → اِجْلِسَا (بنشینید)

تَجَلَّسْنَ (می‌نشینید) ← امر → اِجْلِسْنَ (بنشینید)

فعل ماضی استمراری: هرگاه یکی از فعل‌های خانواده «کان» (كَانَ - كَانَا - كَانُوا - كَانْتِ - كَانْتُمْ - كَانْتُنَّ)

کانتا و ... کمی قبل تر از یک فعل مضارع بیاید، این دو فعل را در فارسی به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌کنیم؛ مانند:

كان الطلاب يذهبون: دانش‌آموزان می‌رفتند.

البنات كاننَّ تكتبنَّ: دو دختر، می‌نوشتند.

كانوا يكتبون: می‌نوشتند.

حروف اصلی / وزن: سه حرف اصلی کلمات را «ریشه» می‌نامیم؛ مانند ریشه «دخ ل»

در «أَدْخَلَ، تَدَاخَلَ، دَخِلَ، مُدَاخَلَةٌ» با جایگزین کردن سه حرف «ف ع ل» به جای ریشه

کلمات می‌توانیم وزن آن‌ها را به دست آوریم (وزن؛ آهنگ و ریتم کلمه است)؛ مانند:

أَخْرَجَ بِرِ وَزْنِ أَفْعَلٍ / جَمِيلٌ بِرِ وَزْنِ فَعِيلٍ



تفکر: در مورد وزن «فاعل» و «مفعول»:

○ وزن «فاعل» بیانگر انجام‌دهنده یا دارنده حالت است؛ مانند: «خالق: آفریننده» و «عالم: دانا»

○ وزن «مفعول» بیانگر «فرد یا چیز انجام‌شده» است؛ مانند: «مخلوق: آفریده‌شده» و «معلوم: دانسته‌شده»

ترکیب وصفی (موصوف و صفت): در عربی هرگاه دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و هر دو «ال» داشته باشند و یا هر دو بدون «ال» باشند و علامت انتهای هر دو، یکسان باشد، موصوف و صفت به حساب می‌آیند.

مثال: الدَّرْسُ السَّهْلُ موصوف موصوف صفت
طالباً شجاعاً موصوف موصوف صفت
[دانش آموزی شجاع]

ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)

در عربی هرگاه دو اسم پشت سر هم قرار گیرند و اسم اول، «ال» و تئوین نداشته باشد و اسم دوم علامتش مجرور (-، -، ...) باشد، معمولاً مضاف و مضاف‌الیه به حساب می‌آیند.

مثال: الدَّرْسُ التَّلْمِيذِيُّ مضاف مضاف‌الیه
طالب طالب مضاف مضاف‌الیه
[دانش آموز مدرسه‌ای]

ترکیب سه کلمه‌ای (اسم + ضمیر متصل + اسم «ال» دار)

در این نوع ترکیب سه کلمه‌ای، ضمیر را بعد از اسم «ال» دار (کلمه سوم) ترجمه می‌کنیم.

مثال: كِتَابُكَ الْمَفِيدُ: کتاب مفید تو

رَبِّي الْعَظِيمُ: پروردگار بزرگ من

بیان ساعت

در عربی برای بیان ساعت به ترتیب زیر عمل می‌کنیم:

ساعت کامل ← اعداد ترتیبی بر وزن «الفاعلة»

نیم ← «النصف»

ربع ← «الرُّبْع»

یک ربع مانده به ... ← «إِلَّا رُبْعاً»

مثال: ساعت هفت: السَّاعَةُ السَّابِعَةُ هفت و نیم: السَّابِعَةُ وَالنِّصْفُ

هفت و ربع: السَّابِعَةُ وَالرُّبْعُ یک ربع مانده به هفت: السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعاً

یادآوری رنگ‌ها (الألوان)

أخضر (سبز) أَحْمَر (سرخ) أَرْزَق (آبی)

أَصْفَر (زرد) أبيض (سفید) أسود (سیاه)

بَنْفَسَجِي (بنفش)

یادآوری روزهای هفته (أَيَّامِ الْأَسْبُوعِ)

السَّبْت (شنبه) الأَحَد (یکشنبه) الإِثْنَيْن (دوشنبه)

الثَّلَاثاء (سه‌شنبه) الأَرْبَعاء (چهارشنبه) الخَمِيس (پنجشنبه)

الجُمُعَة (جمعه)

وعده‌های غذایی

الْفُطُور: صبحانه الغداء: ناهار العشاء: شام

کلمات و عبارات مهم درس

فعل‌ها

| | | | |
|-----------|----------------|-----------|-----------|
| تَمَثَّ: | رشد کرد (مؤنث) | صارت | شد، گردید |
| تَمَّا: | رشد کرد (مذکر) | يُخْرِجُ: | درمی‌آورد |
| إِيْحَتْ: | جست‌وجو کن | أَنْزَلَ: | نازل کرد |
| أَوْجَدَ: | پدید آورد | جَهَّزَ: | مجهز کرد |
| زَانَ: | زینت داد | كَمَّلَ: | کامل کن |
| قُلَّ: | بگو | سَقَى: | شکافت |
| يَدُورُ: | می‌چرخد | صَيَّرَ: | گردانید |

سایر کلمات

| | | | |
|---------------|-----------------------|---------------|---------------------|
| إِغْبِرَار: | تیره‌رنگی، غبارآلودگی | الْمَرْءُ: | انسان |
| أَنْجَمَ: | ستارگان | جَذْوَةٌ: | پاره آتش |
| شَرَّرَ: | اخگر (پاره آتش) | حَيَّة: | دانه |
| حَضِرَ: | سرسبز | مُسْتَعْرَةٌ: | فروزان |
| مُفْتَكِرَةٌ: | اندیشمند | بَالِغ: | کامل |
| ذَاكَ: | آن (ذلك) | ذَا: | این (هذا) |
| ذَات: | دارای | الْعُصُونُ: | شاخه‌ها (جمع عُصْن) |
| ذُو: | دارای | أَنْعَمَ: | نعمت‌ها (جمع نعمة) |
| الْعَيْم: | ابر | دُزْر: | مرواریدها (جمع دُر) |
| مُرَاجَعَةٌ: | دوره‌کردن | مُسْتَعِينًا: | به کمک |
| النَّصْرَةَ: | تر و تازه | ضِيَاء: | روشنی |
| الْقُسْتَان: | لباس زنانه | | |

متن درس

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ: و تاریکی‌ها و روشنی را قرار داد.

ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ: دارای شاخه‌های تر و تازه

فَإِيْحَتْ وَ قُلَّ مَنْ ذَا الَّذِي: جست‌وجو کن و بگو این کیست؟

من ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا: چه کسی آن را پدید آورد؟

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مُنْهَمِرَةً:

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو حَكْمَةٍ بِالْعَمَلِ وَ قَدِيرَةٌ مُقْتَدِرَةٌ: دارای حکمتی کامل و قدرتی توانمند است.

زَانَةٌ بِأَنْجُمٍ: آن را با ستارگانی زینت داد.

كَالَّذَرِّ الْمُنْتَشِرَةِ: مانند مرواریدهای پراکنده

فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ إِغْبِرَارِهَا حَضِرَةً:

و زمین را پس از تیرگی‌اش سرسبز گردانید.

وَأَنْظَرُ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلَّ مِنْ شَقَّ فِيه بَصَرَهُ:

به انسان نگاه کن و بگو چه کسی در چهره او بینایی‌اش را شکافت.

من ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَةً:

این کیست که او را به قدرتی اندیشمند مجهز کرده است.

کلمات حواری (گفت‌وگو)

أحد الموظَّفين: یکی از کارمندان

قاعة المطار: سالن فرودگاه

مع الأسف: متأسفانه

أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم

التَّعَارُفَ: آشنایی با یکدیگر

کلمات و عبارات مهم تمارین

﴿ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴾:

برای من یاد نیکو در میان آیندگان قرار بده.

﴿ ... لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴾ [لِمَ = لماذا: چرا]:

چرا می‌گویید آن‌چه را که انجام نمی‌دهید؟

« كَثْرَةَ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ / صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ »:

بسیاری نمازشان و روزه‌شان / راستگویی و امانتداری

« إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحِمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ »:

به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.

أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ

دانش را طلب کنید گرچه در چین باشد زیرا طلب دانش، واجب است.